



# جنبش آزادببخش ملی وراه رشد غیر سرمایه داری

## پرچم صلح و دوستی بین ملتها...

ترقیخواه و صلحدوست و مللی است و جنگ طلب امیر بالیسیم نسبت به که با مبارزه بجای، هر زمان دیگر جدا حکم میکند. تا امیر یا لیستها را که بار سنگین همبستگی و اتحاد در میان نیرو های تسلیحات را بدوش ملل گذاشته اند صلح، سو سیالیسم، دمو کراسی به صلح صلح مجبور سازند و صلح و جنبشهای آزادیبخش ملی تا مین تأمین کنند.

مختلف اجتماع انجمنی کو شش شرکت فتمندانه برای جلو گیری از جنگ جدید و تا مین صلح پایدار، آنها را متحد می کند.

.... در خصوص اگر دروا نگان امیر یا لیستها که آغاز کنند آتوقتی یقیناً نظام سرمایه داری از روی زمین به گور خواهد رفت! باقی اساسی تأمین صلح جاویدان بشمری عبارت از صلح عام و تام است.

این وظیفه تمام ملل و دول جهان است که از کوچکترین کاسی که در راه منع از مایش های سلاح ذروی وضع تولید، استعمال و انتشار آن (به پیشهاد ۹۶قره ای اتحاد سوری توجیه شود) منظور صلح سلاح عام و تمام گذاشته میشود حمایت کنند، تا زمینه برای کام و رسمتزی تهیه دیده شود. این وظیفه دستور روز تمام نیروهای آن امکان انفجار آن میزود. همچنین تعیین باز هم بیشتر نتایج است که نتیجه مستقیم مصارف سنگین نظامی امر یکا در مقام ویتنام است. سر تاسیر دنیای سر مایه داری را نگان میدهد. با وجود تمام این مصیبت و با کامیابی اخیر امیر بالیسیم صلح نبرد که صلح بر زمین بگذارد و صلح و صلحدوست ایجاد کند، مسئولیت عظیم بشری بعهد آنها خواهد بود. وظیفه گیری که در مرحله کنونی در برابر نیروهای ترقیخواه و صلحدوست جهان قرار دارد عبارت از مبارزه آزادیبخش و صلح است. بر این اساس صلح و همکاری بین المللی در زمینه سیاست هرستی ماست. امیر بالیسیم همبستگی تمام نیروهای صلح، دمو کراسی، نهضت آزادی بخش ملی و سو سیالیسم، مبارزه صلح و تجاوز است که با منافع جنگ و ترقیخواه صلح و صلحدوستها مطابقت دارد.

روشنی یک روز صاف و آفتابی از شیشه بجره ها می درخشید. کاخ یکوف آرام در وسط عمارت استاده بود. چه بود که دیوار ها می جدا نمی شد و فرو نمی ریخت؟... اینجا چنان بانی را که نازی هانجام می دهند خواهند دید... چطور آفتاب بطور همیشگی در آسمان سیر می کند؟... چرا بنیان نمیشود؟... چرا جهان نمی لرزد؟... خنجر مردم در کوچه ها میوید، از آنجا که مرمور و زندگانی می کنند، گل می فروشند... چطور آنها از کنار بس ها نیسکه زنایان تیره جان را از شمشیر راه بانگراک... معادگاه عشق من در با لوس... جویوس کمالا استیر جنگل کسجک گمشا یو بود. آه... اگر روز گذشته باز گردد، محض چند لحظه قبل از آنکه جویوس برای ملاقات جلیتک رهسپار شد، میتوانستم از آن آگاه سازم. و او دیروز از کجا میخواست قسمم چیزی را که امروز میداند...

بنوانند به عقب مانده گی خود خاتمه ندایی از قبیل تعمیر و نگهداری دهند و از لحاظ رشد اقتصادی و فرهنگی به سویه کشورهای پیشرفته برسند. دوم: همبستگی با طبقه کارگر ملت های روز انکشاف با طبقه کارگر دولتهای پیشرفته نشد، با کشور های مترقی. اکنون شرایط تغییر کرده است و مهم ترین تغییر عبارت از وجود آمدن دولتهای سوسیالیستی و افزایش روز افزون نیروی اقتصادی آنها میباشد. در حال حاضر دولت های نو به ازاد رسیده بین شکل ولی در شرایط کاملا متفاوت به مساله پیچیده تر گردیده است. آنچه امروز در برابر دولتهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین قرار دارد عبارت از اجرای پلانیهای بزرگ ساختنهای پیچیده صنعتی و آبپارس است که ذریعه مهندسان و اقتصاد دانسان طرح میگردد.

(بایقیدار)

این وضع شبیه وضع روسیه شوروی بعد از انقلاب اکبر می باشد. انقلاب، ستم ملی و استعماری و تقسیم ملت های حاکم و محکوم را به قاطع ترین شکل از بین برد. حکومت کارگران و دهقانان تضمین نمود که این ستم ملی به هیچ شکل آن هم از قدیم باجهد، عودت نخواهد کرد. مبداء لک به علت عقب ماندگی که برای بسیاری از ملت ها به میراث مانده بود، عدم تساوی بین ملت ها همچنان وجود داشت. ما مینت مساله ملی بعد از جنگ داخلی روسیه طوری بود که این عدم تساوی اقتصادی و سیاسی و فرهنگی از بین برود و به خلق های قبیله مانده کمک نماید تا از هر لحاظ بسوی روسیه مرکزی برسند. از نظر مادی این ها برابری مانی بودند که باید راه رشد غیر سرمایه داری آن را حل کند.

حل این برابری ها اتحاد برادرانه ملی و یک طبقه کارگر روسیه را ایجاد میکند. ولی این کار حل این مسئله در برابر انتقال کمیابکی سازمان و شیوه های جمهوریت های پیشرفته شوروی، به جمهوریت های عقب مانده امکان پذیر نبود. حل موفقاته برابری های جمهوریت های عقب مانده ایجاد میکرد که شرایط مختلف اقتصادی، ساختن طبقی، گذشته تاریخی، شرایط زندگی، فرهنگ های ملت های در نظر گرفته شود که از اشکال ابتدای یونانی و نیمه یونانی بمنابه ایجاد کنندگان جدید گیرند گان مستقل در حیات و سوسیالیسم مرحله سرمایه داری صنعتی، برحسب سوسیالیسم داخل می شدند. این مسائل با وجود حاصره سرمایه داری و جنگها در مدت نسبتاً کمی حل گردید.

تجره ملی شوروی که به مساله ملی عنصر جدیدی بساری واقعی، نه تساوی مضاحفونی، بین ملت ها وارد نمود با بی اهمیت تاریخی میباشد. تجربه ملل شوروی ثابت کرد که سوسیالیسم یکس طرف تساوی صورتی ملی قاطع منافع و امکانات استفاده از این تساوی باشد یک امر مانی قبی است.

برای همکاری موفقاته و برادرانه بین ملت ها از بین بردن عدم تساوی که از گذشته میراث مانده، دوشروط ضروری میباشد: اول دادن کمک به ملل عقب مانده تا ذریه ها در آن لحظات انسان تیره میگرد، که جو لوس ریختن خون و دستپای محکم محافظین را احساس نماید. با کامیابی محکم و تساوی پیش می رفت. سرش برارنده و بلند بود. وقتی به کنار دیوار رسید بطرف ما سرخید. با شگفت و هیجان او را نگاه میکردیم. سر های ما نیز بلند شد. گمشا یو چون پارچه سنگی بجا استاده بود. ولی جو لوس که در برابر خواسته های آن ستم خرم گشاده بود با جثمان عصیا نخیز و مغرور بسوی آنها می تکر بست. وقتی بطرف ما می دید نگاهش مشغول از عشق و نیروی او تغییر داده بود. در حاصره گمشا یو، شکست پذیرید چشمانش بیان میکرد، شباهت آنها بنوا تند او را از بین ببرند و لی آنها هرگز نخواهند توانست آزمایش او که به خاطر آن زرمیده و تحمل کرده می کنند. در نگاه روشن این حقیقت که راه عادلانه و ساده های جا ویدان و کبیر سو سیالیسم پیروز خواهد شد. همه میزدان و زرنای نیسکه در صف متحد آن بیگار میکنند به پیروزی خواهند رسید و برکشند. این بیسو نه سر بسو شست او بود که با سهاله آبی رنگ گرد چشمانش می درخشید...

## نقتمین در برابر اعتصاب...

شرکت و حکومت داده و بر عمل کارگران نشان ما چرا جویو و قانون شکنی زده و توسط جوب های دستنی پولس برایشان حمله کردند. ولی کارگران که شهادت مبارزه را طولانی در پیش دارد از تحمل کار گرفته، حتی بدفاع نیویستند. یکی از کارگران در بسوی همرا هان فریاد زد: «بگذارید برزند و حمله کنند. ما تحمل میکنیم تا روشن شود که معتر من کیست و امر عامه و حقوق افراد آن کدام است. ما تمهید می شود. اگر کشنده هم شویم با قانون شکار عمل نمیکنیم. خیر میرساند که همین روزها ۲۰ نفر کارگر مجبور گردید و سلسله بزدن و بزندان استادن چند روز دیگر هم دوام کرد.

فریاد آن روز عده بی از زبان کارگران از تمام ولایت در خواست کردند تا شوهران شانرا که کلبون موجب قانونی زندانی شده اند رها کند. ولی مقامات حکومتی بنوی در نظر داشت ارزشهای اخلاقی بشری و کرامت انسانی و بدون ملاحظه عنعنات ملی افغانی در شست ترین عکس العمل رویه بی در برابر میرمنهای کارگران نشان دادند.

در ص ۴

کارگران تا روز ۱۰ سرطان در اعتصاب بسر بردند و قرار یک اطلاع میدهند نفر کارگر هنوز هم در زندان بنشین میزند. کار کارگر که بعد از اعتصاب با قرار آن بر کشنده شد. سرانجام تحت مراقبت و ابرام و زین قرار دادند. کارکنان معر و معرین در شرکت هم از جاده افریقا عا ت پولس و محافل مترجم محلی بزور دادند. سعی میکنند تا بهر مسئله ممکن شود هم عمل و ماضیت اختصاصی از حکومت مرکزی هند از آنچه در نظر است از کشنده شد و بهر عیب و ایراد کار فرات برده اند. نقض همچنین خبر بال پرچم به نقض سر فوق از نمایندگی سبب زر شروکت در و لسوالی

ارچی اطلاع میدهند که بتاریخ پنج سرطان یک نفر از کارگران در زندان کار از بالای دیوار بزرق سقوط موی قانونی زندانی شده اند رها کند. ولی مقامات حکومتی بنوی در نظر داشت ارزشهای اخلاقی بشری و کرامت انسانی و بدون ملاحظه عنعنات ملی افغانی در شست ترین عکس العمل رویه بی در برابر میرمنهای کارگران نشان دادند.

استعماری جهان سر قوه امیرا توریهای جبهه مشترکی از کشور های آزاد و صلحدوست استعمار وجود دارد. ولی تاکنون در اقتصادیات آنها انسجام کافی وجود ندارد و عینا متمع و کسایلی سابق را بر پای بازار های غربی تولید می نمایند. هر گامیکه دولتهای جوان در راه استقلال اقتصادی و سیاسی و توسعه عوم به نیروهای غربی وابسته میباشند. و سیستم جهانی سوسیالیستی باین کشور ها کمک می نماید تا به این وابستگی خود خاتمه دهند.

استعماری جهان سر قوه امیرا توریهای جبهه مشترکی از کشور های آزاد و صلحدوست استعمار وجود دارد. ولی تاکنون در اقتصادیات آنها انسجام کافی وجود ندارد و عینا متمع و کسایلی سابق را بر پای بازار های غربی تولید می نمایند. هر گامیکه دولتهای جوان در راه استقلال اقتصادی و سیاسی و توسعه عوم به نیروهای غربی وابسته میباشند. و سیستم جهانی سوسیالیستی باین کشور ها کمک می نماید تا به این وابستگی خود خاتمه دهند.

# جولیوس فوچیکو

قسمت اخیر

قسمت ۱-۳-۲ و ۴ این داستان بالترتیب در شماره های ۹-۱۰-۱۱-۱۳ پرچم نشر شده است.

ما را با گروه زیادی زندانیان برای عکس برداری بردند. گمشا یو شمت بسته استاده بود و ما توسط یک چهار پا به بزرگ جاگرا کین شدیم. سر های ما در گیره های مخصوص جا داده شده بود. به ما فر مان داده بودند که دست های خود را بالای اوزان خود بگذاریم. در آن حالت برق تند و روشن کردیم از چهره ما گذر کرد. صورت هر یک از ما را از نور و تیرمخ عکس برداری کردند بعد ما را صف بسته و به اتاق دیگری رهبری نمودند. در آنجا اینکه حکم دستگیری ما را ثبت میکردند.

بعدها با دیگران بدون باز پرسنی معبر باریک که با جو کس ما صف بندی شده بود گذشتند. مردان اس اس در بین اینها بالا و با تین قدم میزدند.

فرمان دادند که بنشینیم، من

در آن لحظات انسان تیره میگرد، که جو لوس ریختن خون و دستپای محکم محافظین را احساس نماید. با کامیابی محکم و تساوی پیش می رفت. سرش برارنده و بلند بود. وقتی به کنار دیوار رسید بطرف ما سرخید. با شگفت و هیجان او را نگاه میکردیم. سر های ما نیز بلند شد. گمشا یو چون پارچه سنگی بجا استاده بود. ولی جو لوس که در برابر خواسته های آن ستم خرم گشاده بود با جثمان عصیا نخیز و مغرور بسوی آنها می تکر بست. وقتی بطرف ما می دید نگاهش مشغول از عشق و نیروی او تغییر داده بود. در حاصره گمشا یو، شکست پذیرید چشمانش بیان میکرد، شباهت آنها بنوا تند او را از بین ببرند و لی آنها هرگز نخواهند توانست آزمایش او که به خاطر آن زرمیده و تحمل کرده می کنند. در نگاه روشن این حقیقت که راه عادلانه و ساده های جا ویدان و کبیر سو سیالیسم پیروز خواهد شد. همه میزدان و زرنای نیسکه در صف متحد آن بیگار میکنند به پیروزی خواهند رسید و برکشند. این بیسو نه سر بسو شست او بود که با سهاله آبی رنگ گرد چشمانش می درخشید...

## پرچم صلح و دوستی بین ملتها...

ترقیخواه و صلحدوست و مللی است و جنگ طلب امیر بالیسیم نسبت به که با مبارزه بجای، هر زمان دیگر جدا حکم میکند. تا امیر یا لیستها را که بار سنگین همبستگی و اتحاد در میان نیرو های تسلیحات را بدوش ملل گذاشته اند صلح، سو سیالیسم، دمو کراسی به صلح صلح مجبور سازند و صلح و جنبشهای آزادیبخش ملی تا مین تأمین کنند.

مختلف اجتماع انجمنی کو شش شرکت فتمندانه برای جلو گیری از جنگ جدید و تا مین صلح پایدار، آنها را متحد می کند.

.... در خصوص اگر دروا نگان امیر یا لیستها که آغاز کنند آتوقتی یقیناً نظام سرمایه داری از روی زمین به گور خواهد رفت! باقی اساسی تأمین صلح جاویدان بشمری عبارت از صلح عام و تام است.

این وظیفه تمام ملل و دول جهان است که از کوچکترین کاسی که در راه منع از مایش های سلاح ذروی وضع تولید، استعمال و انتشار آن (به پیشهاد ۹۶قره ای اتحاد سوری توجیه شود) منظور صلح سلاح عام و تمام گذاشته میشود حمایت کنند، تا زمینه برای کام و رسمتزی تهیه دیده شود. این وظیفه دستور روز تمام نیروهای آن امکان انفجار آن میزود. همچنین تعیین باز هم بیشتر نتایج است که نتیجه مستقیم مصارف سنگین نظامی امر یکا در مقام ویتنام است. سر تاسیر دنیای سر مایه داری را نگان میدهد. با وجود تمام این مصیبت و با کامیابی اخیر امیر بالیسیم صلح نبرد که صلح بر زمین بگذارد و صلح و صلحدوست ایجاد کند، مسئولیت عظیم بشری بعهد آنها خواهد بود. وظیفه گیری که در مرحله کنونی در برابر نیروهای ترقیخواه و صلحدوست جهان قرار دارد عبارت از مبارزه آزادیبخش و صلح است. بر این اساس صلح و همکاری بین المللی در زمینه سیاست هرستی ماست. امیر بالیسیم همبستگی تمام نیروهای صلح، دمو کراسی، نهضت آزادی بخش ملی و سو سیالیسم، مبارزه صلح و تجاوز است که با منافع جنگ و ترقیخواه صلح و صلحدوستها مطابقت دارد.

روشنی یک روز صاف و آفتابی از شیشه بجره ها می درخشید. کاخ یکوف آرام در وسط عمارت استاده بود. چه بود که دیوار ها می جدا نمی شد و فرو نمی ریخت؟... اینجا چنان بانی را که نازی هانجام می دهند خواهند دید... چطور آفتاب بطور همیشگی در آسمان سیر می کند؟... چرا بنیان نمیشود؟... چرا جهان نمی لرزد؟... خنجر مردم در کوچه ها میوید، از آنجا که مرمور و زندگانی می کنند، گل می فروشند... چطور آنها از کنار بس ها نیسکه زنایان تیره جان را از شمشیر راه بانگراک... معادگاه عشق من در با لوس... جویوس کمالا استیر جنگل کسجک گمشا یو بود. آه... اگر روز گذشته باز گردد، محض چند لحظه قبل از آنکه جویوس برای ملاقات جلیتک رهسپار شد، میتوانستم از آن آگاه سازم. و او دیروز از کجا میخواست قسمم چیزی را که امروز میداند...

بنوانند به عقب مانده گی خود خاتمه ندایی از قبیل تعمیر و نگهداری دهند و از لحاظ رشد اقتصادی و فرهنگی به سویه کشورهای پیشرفته برسند. دوم: همبستگی با طبقه کارگر ملت های روز انکشاف با طبقه کارگر دولتهای پیشرفته نشد، با کشور های مترقی. اکنون شرایط تغییر کرده است و مهم ترین تغییر عبارت از وجود آمدن دولتهای سوسیالیستی و افزایش روز افزون نیروی اقتصادی آنها میباشد. در حال حاضر دولت های نو به ازاد رسیده بین شکل ولی در شرایط کاملا متفاوت به مساله پیچیده تر گردیده است. آنچه امروز در برابر دولتهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین قرار دارد عبارت از اجرای پلانیهای بزرگ ساختنهای پیچیده صنعتی و آبپارس است که ذریعه مهندسان و اقتصاد دانسان طرح میگردد.

(بایقیدار)

### خان عبدالولي خان...

برجم

از (ص اول)

### راه صنعتی کردن دن...

های روزافزون مردم را به اموال گوناگون صرفی تأمین کرد و پانتهای به امداد چند رشته معدن صنایع استرالیایی اکتفا نمود. از آنجا که مساله صنعتی کردن به موفق و منافع طبقات مختلف در جامعه ارتباط میگردد، این مساله عبارت است از تهیه و سایل تولید برای رشته های مختلف تولیدی. در حالیکه محافل حاکمه از تجاری سعی می نمایند بسود استعمار نوین رشد صنعتی کشور را در چار و قفه سازند و از آنکند رشد اقتصادی آنرا کنگه نمایند و افغانستان را زیر این عنوان که کموردی زراعتی است بحیث تولید کننده مواد خام زراعتی ماکان حفظ کنند و باسویستی آنرا از لحاظ اقتصادی با امر یا لیبرال مستحکم وقتا مینمایند. کموردی های سرمایه ایست که در حالیکه تمام و سایل عمده تولید را بدست خود متمرکز ساخته اند، موعظه می نمایند که برای کموردی های کم رشدی چون افغانستان به صرفه است که تنها از زراعت خود را تقویه نمایند. یعنی علائقی که در گذشته را بشارت تولید کننده مواد خام برای انحصار آزاد علم صنعتی آنها، بر اساس تقسیم بین المللی و مترقی لار و بیوتوکو و روسنیو فیلسو از بیستو نستان له ملسی آزادی بخشوگی نیست سردهغوی زوری همدردی او متفق ملاحظه دا بسوده چه بیستو نستان یو عینی واقعتی او زبیرولده استعمار، امر یا لیبرزم او استبداد عمر اولستل امر یا نه روسنیو. بیستو نستان یو عینی نرسیده او ناریجی هر که کی ذول با باکستان مرفعی، انقلابی اودموکراتیکو توتو. امر یا نه با کانو او لیبرانو چه دخلکو داکتریزت کرا کور، لیبرانو و غورنیو او دشار او کلبو د ترو لور زبار (سوسیالیزم) نمائندگی نی کوله اقول کور و و سر بیره سروردی موسیو سبیا سی لیبرانو هم خیل بیضامو له او لیبرانو را استو نی و و اودھو له خلی خه خینی بداسی حال کی به خبله به زندان کی و و به جزبی مفاو نو و پاکل است و یواخی خو تته محضو چیمنرفین جخله یواخی خا دیاکستان شوشی لاس له ازبجایی خا که محافلو او مدارشل یوب خان له حکومت مخره به سازش لقی اوله یلی خوا به چه بسو له انقلابی افلاطونی فیلسو کور ای دی لاری نه بی دضد استعماری او ضد امیر لیتنیس توتو تو صفو کور کی تفتیشی او اشتعابمذبحونه افشاء او جاشول. جزیر وانی به دصمدر به حیث د خا عبدالولی خان انتخابیدلو اودونی هجری دلی د میثخ له لاورسره نیشتل عوامی یاز کی دیمایزاتی نوری زوجه اوقمال جریان رابیداشویدی. دینشتل عوامی یبارتی دی نوری وضعی عملی آزادی بخشوگی ضد استعماری، ضد امیر یالستی او ضد استبداد نیست لمن لا براته کی اودسولنی، آزادی، موموکراسی او بدلی سیمی کی دتمن فی جریا تا سو به که بی زیات ذهنی شرایط برابر کی بی.

خان عبدالولی خان به خبله اختتامه وینایی وویل: «بههغه باندی چه دآزادی دباره یو خسلکو دمار زو لایخ له یله دا اعتماد کیدایی شی وایی، ده وویل: «دغه تنی خه خه اشتعاف، هیواد دوه زره کرده وروی ایش وولی کی رییدی. دغه کار عاملین هماغه (۲۲ کورنی) ده، بذا سنی حال کی چه تکلیف بی به یولوخلکو یایی یوشان بی، ده زیا نه که: «چه اوسنی بدخالق کی دتقریرونو تصویبونو کور کالی نئی. که خخلک واهف غورایی چه حق حقوق تراسه کی نواید هرازفرقانیو تجمتسو وی، ده وویل: «بو تپ باید مات سنی، دتقایلی سیمو جری عادی حالت له داشاری به ترخ کیده وویل: «باید غه حالت دتخلکو ایویاده کته خله ورکری شی...»

که در دهنه ستر با جا خان پیدا شوی هیواد نو به تک و همکار ری و نیشنل او به هیواد کی د نه به دو نیل سکتور کی دا سا سسی صنا یعونا سیموس. دجر کسی و روسی و زخ (۵۸/۷/۱) د مظار هری او جلسسی پرو گرام د با ره تا کل شوی وه. مظاره له شا هی باغ خه شروع شوه، کله چه کینکم پارلوتی راورسیده په زرگونو زرگونو خلکو بکنی کون. کی و اوبدا لا حصار لویدیخ اچته د هسیتالان له مشور بی دیوال سره خیر با زار ته او و روسی دضه خوئی او با تری بازار له لاری دچوک یادگارواونه راوله. هلته ناری و خلکو تود هرکلی وکی. خیر وایی چه مظار هری دکنار به غا ورو ستر هیوم ورو اویچه به بازار کی دنورو بیلود تیربولاره نه ده. دینکال، ونباج او کراچی میلمنو خان خا ته اوتونه کول امر خیل حق جو نیشنل لیاره بهی بخل دود ناری وهلی او خلک بی حیران کی وی. بنکا لیا نی وولی: «پا بو نی ختم کی! ختم کی! دا یوب دظلم حکومت نوری نه چلیزی! باجا خان زومره خسان زنده باد! زنده باد دینکال خا یو مختاری غوا ودا بیستو نستان زنده باد!...» او نور. دینجاب دنما بید کانو شعاروونه داو: «بو نی مات کی ری» «دا یوب دظلم توری ختمه کی ری» «فخر افغان زنده باد... بیستو نستان زنده باد...» دگر اچی او بسند نما بند کانسو دا مشارو دوز کور: «بو یوب نی به غوا ودا! د یوب نظام نه غوا ورو هر انسان دردی جامی او کور غوا ودا! دغه آزادی چه موز بی لار دروا وده به لکو نسو انسان نوری وی دی. بیستو نستان زنده باد...» خیر فیلسو چی دلمسه ویر. لویه زده تیر کیمپته کور، کیچری در وازی، د مپا بت خان جو مات اوزیش کرا، او یوری خور و خوا وونه خلک به بیره سختی گرمی کی نامست و و، دظلم او فظاظ یوب بی ساری نوونه لیده کیده. بدی جلسه کی شیر و بنکا لیا نی، نوره سندی و یولوخ بیستون، بو کراچی و ال، یوب بهنجایی او یوب بهنیتانه تقریرونه دینکال میغی الین وویل: «دشیر کوروه لیلین د بیستو نستان به مبارزه کی ستاسو تر شا و لا و دی، همدار دینکال دیوان محبوسینی وویل: «موزی استعاف دی خاوری به رسیده نو کی بی، دینکال دوس ادرات راولی دی، خکه چه دا خا واره آزادی غوشتو کور انسان و ستر خلکو لیا وده غوشتو او مگده، نه خیره به کوم خا و لا و، بدی نه یوازی بنیتانه بلکه موز بنکا لیا نی او یول مشرب فخر کی، دافخر بدی وچه تروکی دهنه ایوب خا ن زیر بدلی دی بلکه خکه فخر کی وه، ذلول باکستان دمور کرا نیگو (دلومری مخ یانی)

خود به ایشم فرا رسیده نی است.

چه ددی شینیدا نو به یاد کار قسم وکړو چه ترخه به به آرام نه کینو چه دملک نه دظلم او جبر حکومت وړک کړو. دغه شان شیخ طبر الدین هم دینجاب دولس له طرف نه دشینیدا نو او بیستو نستان به او لمانخته وکی. ده وویل: «دینجاب غریب خلک ټول عمر دینشتو دحق مرسته کوی اوکه وخت راشی نو دنیابه وونی چه بیستون او بنجایی خلک دخیل حق دکپا لو دیاره یودی، دغه استعفا لیه مظاره له دیر جوش او مشور سره رابل هوپل ته به رسیده سره ختمه دپاکستان دینشتل عوامی گونو ملی خورا دخلی غوئی به دوهجه وړخ خان عبد الولی خان درابو به اتفاق ټول پاکستان دینشتل عوامی کوند درنیش به حیث ویا کسه. مجموعوالحن عثمانی دینشتل عوامی گوند دمنشی به حیث بیا ویا کله شو. سید امیر سمن شاه (پنجاب) درنیش دعاون به حیث، اجمل خیل ټول پاکستان عالی سکر نی به حیث او دینجاب منجوب عالی (بنکال) او دوهم نواب سکر نی به حیث ویا کله شول. محمود علی قصوری ولودیخ پاکستان دینشتل عوامی باقری، درنیش او امیر زاده خان (مراد) درنیش دعاون به حیث او غوث بخش یزنجوی (دیلوچستان) له کلات نه چه اوس به زندان کی دی، دمعرفی با پاکستان دعومی سکر نی به حیث ویا کله شول.

د جون به ۲۹ او ۳۰ بر سیاسی مسالو او بد ماو مفصل بحثو نه و شول چه با کی کینی ذ کونو نه عمومی خط میثی فیصله او تصویب شوه چه مده مظار اب کی دی: « ترخه چه دغه ختمه مسالو مقدمی با بیا به تیره د کونجو به ملیونو (بیستو نستان، دیلوچستان او بسند) د آزادی د حق مساله دیو یو نی له دغه وړل، د ختیج باکستان (بنکا ل) بنشوه خوسود مختاری اود زوی او کلور به اساسی د خود مشارو اوتلو نو تمسکین. « بدی لاریزم هر حله کی، سو سبیا لیبرزم (غا نی هدف) نه درسیود د باره دملی دمور کور سسی دولت (سترا تیوریک هیف) نامیس دلومری، وطیغه به حیث. « د «دینشادی جملور بیت دوزل او به خا نی د خپلو حقوقو دتأمین به منظور د و مستر کل او خلی نهضت لیا وده ذلولو آزادی غوشتو کور او یوختو لیا وده سبیا سنی کونونو او خلکو د منجلی جیبی د تاسیس غوشتنه.

دو تو لو مخا لئو کونونو له مشرا نو سره د یووا لی دا ایجاد لیاره د نیشنل عوامی یبار نی مشرانو لیا وده لیاره سوسی اونی منجلی جیبی لیا وده د مبارزی د مشترک پرو گرام جو لو. « دعومی او استعاف حق دبا رلی ای حکومت بیا وونی کور. « دا مضطرابی حال پاتی نه رسول، خلکو دا ساسی حقو و رسول، از و ندی کول اود سیاسی بنیدانو را ازاول. دغریبو او کم خلکو بز کرا نو به که د خلکو د مسالی حل او د روشو او فساد منجیوی. « زیا ر ایستونکو ته دا قل حد مزد تا میلول. « کار کور به د ایجاد یو او اعتصابی نسو او ټو لو چورولو بنشیر حقوق وړ کول. « به تعلیمی جا روکی داسانتیاو و یاربول اود تعلیمی موم سوسو د آزادی او مصوبیت تا مین. « د سیمو او سستیو د نظامی کیو نو خه تو ل او له امیریا لیا نی هیواد نو سره د امریکی او پاکستان ددوه اچیز د قا می ترو به بشمول دینکال اود پرو ترو نو له د میثخه وول اود او منسقل او بنظر خارجی سیاست تعقیبوس. « دا اقتصادی استقلال حصول اود امیریا لیا نی هیواد نو در دستو ردول (دا خکه چه دغه هر شرتو نو سره

دعوا نعو او مشکلاتو به مقابل کی دفاع هیخ و سبیل و تری اودوموس دیدلونی سره ټول کال کوی هیخ واز هیخ او کلنوری مؤسسات به لثری. همدای علت دی چه ذونی مدینت او شار داساسی حقوق او آزادی آثار غلام د افغانستان د کوچیانو به با قلو لکی نه لیدل کی ری اود همدی کرختی بی سواده اوبملی و وحدت او آزادی خه بسی خیره با کی دی، او همدی کله هیواد نو زیات شمیر وگری سر بیره بر دی چه په دیرو خپرو او ورو سته پاتی شرایط کی ژوند کوی، دهغوی دکار او کوشش قوت هم یوری دافخری نتیجی نه نه رسیده. دافغانیل خیلو خاصو شرطو داسی واقع کی ریستی چه اجنبی قوتونه دوی به هیله کوی او هیواد ارتجایی طبقات بیه داخلی شخرو اودورونو چنگولو به چارو کی له دوی نه به فایده یورنه کوی. « به افغان نستان کی یوازی بو ملی قوتونو بر ستر او مخکد حق دی.

دعوا نعو او مشکلاتو به مقابل کی دفاع هیخ و سبیل و تری اودوموس دیدلونی سره ټول کال کوی هیخ واز هیخ او کلنوری مؤسسات به لثری. همدای علت دی چه ذونی مدینت او شار داساسی حقوق او آزادی آثار غلام د افغانستان د کوچیانو به با قلو لکی نه لیدل کی ری اود همدی کرختی بی سواده اوبملی و وحدت او آزادی خه بسی خیره با کی دی، او همدی کله هیواد نو زیات شمیر وگری سر بیره بر دی چه په دیرو خپرو او ورو سته پاتی شرایط کی ژوند کوی، دهغوی دکار او کوشش قوت هم یوری دافخری نتیجی نه نه رسیده. دافغانیل خیلو خاصو شرطو داسی واقع کی ریستی چه اجنبی قوتونه دوی به هیله کوی او هیواد ارتجایی طبقات بیه داخلی شخرو اودورونو چنگولو به چارو کی له دوی نه به فایده یورنه کوی. « به افغان نستان کی یوازی بو ملی قوتونو بر ستر او مخکد حق دی.

دعوا نعو او مشکلاتو به مقابل کی دفاع هیخ و سبیل و تری اودوموس دیدلونی سره ټول کال کوی هیخ واز هیخ او کلنوری مؤسسات به لثری. همدای علت دی چه ذونی مدینت او شار داساسی حقوق او آزادی آثار غلام د افغانستان د کوچیانو به با قلو لکی نه لیدل کی ری اود همدی کرختی بی سواده اوبملی و وحدت او آزادی خه بسی خیره با کی دی، او همدی کله هیواد نو زیات شمیر وگری سر بیره بر دی چه په دیرو خپرو او ورو سته پاتی شرایط کی ژوند کوی، دهغوی دکار او کوشش قوت هم یوری دافخری نتیجی نه نه رسیده. دافغانیل خیلو خاصو شرطو داسی واقع کی ریستی چه اجنبی قوتونه دوی به هیله کوی او هیواد ارتجایی طبقات بیه داخلی شخرو اودورونو چنگولو به چارو کی له دوی نه به فایده یورنه کوی. « به افغان نستان کی یوازی بو ملی قوتونو بر ستر او مخکد حق دی.



دانشگاه ونگ و کوریک افغانستان و پوهنتون  
۱۷ سرطان ۱۳۴۷

## رویداد های مهم سیاسی جهان

### دوره تهنه گذشته

مسکو: اجتهاد بیست که پیشنهاد نه فرعی اتحاد شوروی در مورد اتحاد تدابیر لازم جهت منع انتشار سلاح ذروی و بیانه صفر اعظم شوروی در این باره مورد بحث قرار گرفته است.  
۱- منع استعمال سلاح هستوی  
۲- اتحاد تدابیر جهت منع فرار دادن تو لیه سلاح هستوی. تقلیل  
۳- محدود ساختن و انهدام انبار آن  
۴- محدود ساختن انتقال سلاح هستوی از نگاه استراتژیکی

۵- منع پرواز های و بنابل تم  
۶- انگیزای مربوط به این سلاح در خارج از سرحدات ملی  
۷- منع آزمایش های زیر زمینی هستوی  
۸- محدود ساختن ساختن کوشش تحت المجرای های راکت انداز  
۹- منع استعمال سلاح کیمیایی  
۱۰- منع پانگاه های نظامی خارجی و اتحاد تدابیر جهت خلع سلاح هستوی

۱۱- استفاده از انبهای ایجاد جهت مقاصد صلحجویانه  
۱۲- اتحاد شوروی خواست میکند که جهت اجرای این موافقت استقرار صلح در جهان تمام کشورها این قرارداد را امضاء کنند  
۱۳- طرف نظامی شوروی در موقع امضای این قرارداد متعهد اتحاد شوروی است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد  
۱۴- طرف نظامی شوروی متعهد است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد  
۱۵- طرف نظامی شوروی متعهد است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد  
۱۶- طرف نظامی شوروی متعهد است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد  
۱۷- طرف نظامی شوروی متعهد است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد  
۱۸- طرف نظامی شوروی متعهد است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد  
۱۹- طرف نظامی شوروی متعهد است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد  
۲۰- طرف نظامی شوروی متعهد است که هیچ سلاح ذروی را در اختیار کشورهای دیگر قرار ندهد

## نهیوران کارگری نهضت خبر و نه

دکتر عار دوپو اید لو دفابریکی دکاریکو انتصاب

دچار شیمی به روح دسیر طان به پنجمه نیبه به کله عار کدوپو او بد لو کار گرانو اعتصاب وکی  
دا کار گران دسپار له پنجمه تصویب و خه دما نیام تر شپیر نیمو بیجو پوری یعنی ۱۳ ساعته شافه کار کوی  
بندی اعتصاب کسی دیرو هغو کوچیانو هم کویون کوی و خه دانو او پنخلسو کلونو ترمیغ عمر لر یو دسیر خه سر ما به داره خوا ۱۳ ساعته شافه کار عه به ۴۵ درجی گرمی بی باندی اجرائی کی  
دوی دکار دیلو شرایطو اولیو معاش به سست خیل شکایت دقا بر یکی مستولو کسانو ته و پندی کوی و مگر دفابریکی خریصوخا و ندا نو، خه همیشه بر کار گرانو باندی دسیر طان به شرایط تحمیلوی دکار کر و دغه مشروع غو بنه به وه منلی نو دغو کار گرانو به فا نو نی دول اعتصاب وکی او به نتیجه کی ددیو بر معاش باندی لیر زیاتوالی راغلی دی . خو تر کومه خایه خه بر جسم معملات اخستی دی دغو کارگرانو قانونی مبارزه خیلو حوقوقه دوشی نیاره دوام لری

### مطالبات کارگران قوای گارد ولایت بلخ

هغه گنشته نامانی از کارگران ولایت بلخ گرفتیم . این نامه ضمن مطالب رفت انگیزیکه وضع کارگران بروزه و انتمیل میکند حاوی مطالب آتی است :  
- وقت کار انهم در شرایط کار افرایمی خیالی طولانی و خلاف مقررات قانونیست .  
- استحقاق اعاشه کار گران در این سوه اداره و اختلاس بنکعده ماموزان تلف معینود .  
- در مقابل کار گران رو به دوران کرامت انسانی صورت میگردد .  
- با وضعیت اینکه ازمعاش کارگران ماهانه مبلغ (۵۰۰) افغانی بنام بیمه و صحتی وضع میگردد . و طرف و خدمات مربوط بیمه صحتی اجراء نمیشود و احوالات صحتی کار گران در نظر اندازست .  
- معاش به او فوات معین نمیرسد حتی بعضا سه ماه بعد از مو عتد معین تا ویه منتهود .  
- وضعی های قا نو نی اجراء نمیشود و کار گران مدت های طولانی از دیدار خانواده های خود محروم میمانند .

### خواسته های کارگران صناعتی باختر (مرزاشریف)

فرا معلوم درین او خرا کارگران شرکت صناعتی باختر در خواستی برنایست شرکت سیرده اند . درین درخواست بعد از شرح شرایط دشوار زندگی کارگران سیرده های مطالعه شده است .  
مطالبات عمده کار گران شرکت صناعتی باختر عبارتند از :  
۱- ایجاد دسپار و ماکرات ، بهبود شرایط بیمه صحتی و دوران کرامت .  
۲- اصلاح دسپار و ماکرات ، و یکی از بانکها اراذ بلاهت مالی و حقوق معضولات قانونیکه بر سر تمام شدگان کارگران در وضعی های نرسیده و نرسیده و در غیر آن برادران بول در بدل کار زورهای رضعی .  
۳- قبول مسئولیت رفقه و رفاهی طبق قانون .  
۴- ایجاد استشفاء کاروی و زورهای رضعی و رفاهی مطابق قانون .  
۵- کار گران طولانی بیمه ای و خدمات اداری شرکت در اصلاح اساسی را مستحق بوده و مشکلات او را حل کنند .

### تظاهرات کارگران بیکار شهر هرات

بنا بر اخبار اول سرطان کوهی از کارگران بیکار شهر هرات در خواستی به مقام ولایت هرات نمودند . درین درخواست ضمن شکایت از ننگاری و کمترین از حکومت تقاضا شده بود که طریق سالم و معقولی جهت رفع مشکلات بیکار صحتی ایجاد آید .  
مطالبات عمده کار گران عبارتند از :  
۱- ایجاد دسپار و ماکرات ، بهبود شرایط بیمه صحتی و دوران کرامت .  
۲- اصلاح دسپار و ماکرات ، و یکی از بانکها اراذ بلاهت مالی و حقوق معضولات قانونیکه بر سر تمام شدگان کارگران در وضعی های نرسیده و نرسیده و در غیر آن برادران بول در بدل کار زورهای رضعی .  
۳- قبول مسئولیت رفقه و رفاهی طبق قانون .  
۴- ایجاد استشفاء کاروی و زورهای رضعی و رفاهی مطابق قانون .  
۵- کار گران طولانی بیمه ای و خدمات اداری شرکت در اصلاح اساسی را مستحق بوده و مشکلات او را حل کنند .

### مطالبات اقتصادی کارگران سیلوی پلغمری

چندی قبل کار گران سیلوی پلغمری هرات را در اعتراض بر وضعیت و وضع آن پیرامون مشکلات صحتی و اقتصادی خود سخنرا نی نمودند .  
فرا معلوم کار گران هرات سیلوی پلغمری ، چندین بار عرض افرای و کی و دستجمعی به مرکز فرستاده اند ولی به کدام نتیجه ای نرسیده اند .  
مطالبات عمده کار گران سیلوی پلغمری عبارتند از :  
۱- ایجاد دسپار و ماکرات ، بهبود شرایط بیمه صحتی و دوران کرامت .  
۲- اصلاح دسپار و ماکرات ، و یکی از بانکها اراذ بلاهت مالی و حقوق معضولات قانونیکه بر سر تمام شدگان کارگران در وضعی های نرسیده و نرسیده و در غیر آن برادران بول در بدل کار زورهای رضعی .  
۳- قبول مسئولیت رفقه و رفاهی طبق قانون .  
۴- ایجاد استشفاء کاروی و زورهای رضعی و رفاهی مطابق قانون .  
۵- کار گران طولانی بیمه ای و خدمات اداری شرکت در اصلاح اساسی را مستحق بوده و مشکلات او را حل کنند .

۲۱- جمال عبدالناصر رئیس جمهوریت عربی متحد و ولایتی اتحاد دویه  
۲۲- سوسیالیستی عربی به بالادستور از تیوروی ادامه میدهد .  
۲۳- دعوت کمیته مرکزی حزب کومینت اتحاد شوروی از مسکو دیند میکند رئیس قوای نظامی جمهوریت متحد عربی نیز باجمال عبدالناصر میرا میباشند .  
۲۴- مسایل مربوط به شرق میانه و تکلیفای نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی به آن کشور مورد بحث قرار خواهد گرفت .

۲۵- ملاکرات بین هیات نمایندگان اتحاد شوروی و جمهوریت دموکراتیک ویتنام شمالی در تصاق دوستانه آغاز شد .  
۲۶- امضاء رسیده که طبق آن حکومت اتحاد شوروی کیمیای اقتصادی و نظامی خود را ادامه خواهد داد .  
۲۷- زهریان شوروی از مبارزات دلبرانه مردم ویتنام حفظ شرف و استقلال کشور خودشان در مقابل امپریالیزم و استعمار ایون ستایش نموده و تیوروی های سال جاری را برصفا و با شین معاشی تریک گفتند که مقابله با آنجا به همت ویتنام شمالی با ابراز تشکر مقابله کردید .

۲۸- رئیس جمهوریت مردم بین جنوبی در فاهره گفت: استعمار گران میخواهند رژیم مفرقی جمهوریت مردم بین جنوبی را سرنگون بیاورند و لخته بی از تحریکات خیانتانه دریغ نمیکند .  
۲۹- استقرار این رژیم بنابر خواست مردم است .  
۳۰- وی گفت: ما از فرانسه را از حرکت داخلی نوسان دانه شک نیست که مردم فرانسه بزودی باین شانها و تبلیغاتی جواب خواهند گفت .  
۳۱- در ویتنام اضافه اند .  
۳۲- در ویتنام اخیر مبارزات عرب سخت و در ویتنام اضافه اند .  
۳۳- مبارزات غرب دین روزها با قتل آهن ، موبیل رسه در

۳۴- یک نفر از اعضای دفتر ستیاسی حزب کومینت فرانسه چنین گفت: دو کولیسینیا با متحال، روسی و هشت زور در دستخوابت هوق شدیدی آنها مردم فرانسه را از حرکت داخلی نوسان دانه شک نیست که مردم فرانسه بزودی باین شانها و تبلیغاتی جواب خواهند گفت .  
۳۵- در ویتنام اضافه اند .  
۳۶- مبارزات غرب دین روزها با قتل آهن ، موبیل رسه در

## باز ...

باز میر قصد به بزم سینه ام ،  
دل به ساز آرزو های توین ،  
باز دا من میزند در خارطم ،  
شعله اندیشه های آتیشم .  
باز این انگیزه بالا میبرد ،  
با نوای شاعر شور آفرین :

کرمی هنگامه این سر زمین ،  
باز میخواهم به شود نازمینی ،  
باز میخواهم بهقر با دی دکو ،  
گرزه نی در کاخ بیداد افکنم ،  
اضطرابی در دل بیداد گر ،  
شعر او سازم نوای زندگی ،  
انقلاب آرم به دنیا ای هنر .

چاه بنویسم بخون خائسین ،  
باز میخواهم به دلیر وبی هراس ،  
راز های سربه مهر افشا کنم ،  
باز میخواهم به انداز توین ،  
مست دزدان کبریا و واتکم ،  
بهلازمین ، بی پرده ترگویم سخن ،  
دشمنان خلق را رسوا کنم .  
بتسلم زنجیر های آهشین .

باز خواهم شرفمن ، فریاد من ،  
این صدای نوای پر شجرا ،  
خون دهقان جوان آرد جوش ،  
آتشمن سا زد مخان مرد کار ،  
کان: دعاغ خنکار را بنکنده ،  
این: بسوزد هستی سرمایه دار .  
زندگی بر مد بکام آن واین .

بارق شفیی

### خراج چندین از شاعران در ولایت کندز

خبر یال برجم از شپسر کندز اطلاع مید هد که بتعقیب تظاهرات انعام یافته روزهای ۱۱ و ۱۲ نوره شاعران لیسنه شیر خان بانو نقین ودر نسخه ۳ تن شاکرد را اسیر اها بیم و بیخ شاکرد را برای موت از لیسنه خراج کرده اند و از همین جمله دو تن را بصورت غیر قا نو نی محبوس نموده اند .  
اطلاع اخس میبرساند که اداره متوسطه امام صاحب نظر بهنا بیت خوسراره ولایت کندز در نوبت کارگرا بصورت مؤقت اخراج کرده است .

### تقتین در برابر اعتصاب

و تا ساعت ۶ بعد از ظهره متینک و فتنه انگیزی کار فرمایان مغرور خود ادامه دادند . فرا معلوم بعد از آنکه کارگران از اعتصاب کارگران سیرده و شرکت و متفقین محلی سیرده و شرکت در کندز اطلاع یافتند بخاطر اینکه مطالبات مشترک با ایشان داشتند ، راه کندز در پیش گرفتند ولی در میان راه توسط پولیس و سلولای ارجی باز گردانیده شدند .  
دیگر موجب زنجاری شدن اعضای کار گران از راه به لایندگی میبینیم زور در امام صاحب باز کست گرفتند .  
در باغ واریکه سیرده و شرکت تشکیل دادند .  
دو روزا با یکی از کار گران محبوس نمایندگی امام صاحب و متفقین سیرده و شرکت را در برابر زندانی شدن طبق قانون کار گران کندز ایران دستگیر نام و برجم .  
و نظر هرات کار گران با شراقتند و وطنپرستان سیرده و شرکت از تمام کارگرا کسبون اخراج از همت آغاز کار کاملا در جو کات .  
قانون و نظم و تدبیر کامل .  
مسالمت آمیز و بدون راه دادن فریاد و غوغای جنونی صورت گرفته است . ولی مناسقا به تحریک

### برجم صلح و ...

دیرو های جنرفی جهان و طبقه دوران کونی او کا بوس جنکجهدید تاریخی خود را نه فقط درین میدانند .  
که استعمار و فقر در مقاماس جهانی .  
تا بود سلاطین امکان هر کوه جنکرا خود را وقت اجرای این ما موریت از زندگی جامعه بشری بر ای همیشه .  
ازین برهانه . بلکه همچنین طبقه صلح و دوستی بین ملل را برافراشته خود میدانند که بشتر بت راحتی در نگاه خواهند داشت .

### پسرجم

هره دوشینه خوری  
اشتراک  
دانشیار خاوند اوسمؤل ملیه : د ۱۳۴۶ (کب)  
سلیمان (لااق) به ولایاتو او بیستونستان کی دکال  
آدوس : غوثی مارکیت  
محبوبان واپ : ده هیوده دانی دکال - ۱۲ داله  
کابل ، افغانستان : ۲ - افغانی  
مطمعه دولتی